

را تعیین نموده تصویب مینماید.
رئیس - آقایانی که مرخصی دو ماهه
آقای سید اسمعیل را تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.
آقای دکتر ضیائی نماینده محترم
بواسطه فوت یکی از کسان ایشان و سرپرستی
صغار آن مرحوم تقاضای ۳ ماه مرخصی از
روز حرکت کرده اند کمیسیون هذر ایشان
را موجه دانسته این مرخصی ۳ ماهه را
از روز حرکت تصویب مینماید.

رئیس - آقایانی که مرخصی ۳ ماهه
آقای دکتر ضیائی را تصویب میکنند
قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد.
آقای دکتر احتشام نماینده محترم
برای تنظیم امور شخصی و مرخصی داری
تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند کمیسیون
فقط چهل روز مرخصی را برای معزی الیه
تصویب مینماید که از روز بیستم مهر ماه
محسوب شود.

آقایانی که مرخصی چهل روزه آقای
رکتر احتشام را تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.
آقای یاسائی نماینده محترم بعد از
فراهم نشدن وسائل و وسائل نقلیه از سمنان
باهران ده روز غیبت داشته اند کمیسیون
عذر معزی الیه را موجه دانسته از اول شهریور
ماه لغایت ده روز غیبت ایشان را با اجازه
محسوب و تصویب مینماید.

رئیس - آقایانی که مرخصی ده روزه
آقای یاسائی را تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد.
آقای سید ابراهیم ضیاء نماینده محترم
نظر بکسالت والده شان دو ماهه مرخصی
خواسته اند که از روز اول شهریور ماه
محسوب شود کمیسیون این مرخصی را
تصویب می نماید.

رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - بنده نمیخواهم در مسائل
شخصی که با شخص بر میخورد هر ضعی
کرده باشم ولی میترسم در اثر این اجازه
های مرخصی آخر کم کار بجائی برسد
که مجلس را از اکثریت بیندازند و آخر
مجلس هم بدیهی است انتخابات با بودن
خود مجلس بجزریان خواهد افتاد پس نباید
مجلس را تعطیل کرد ممکنست بنده هم
برای حوزه انتخابیه ام خواسته باشم بروم
پس آقایان اعضاء کمیسیون عریض و مرخصی
خوبست فکری بکنند که مجلس هم تعطیل

نشود و آقایانی هم که کسالت دارند یا
قضایای مهمی دارند مرخصی بگیرند
رئیس - آقای ضیاء
(اجازه)

ضیاء - فقط میخواستم عرض کنم از
این دو ماه مرخصی چنانکه بکمیسیون
عریض هم عرض شد بیست و دو روزش
را استفاده کرده ام و بقیه حالا لازم نیست
اگر بعد لازم شد اجازه میخواهم
رئیس - رای می گیریم بر مرخصی بیست
و دو روزه آقای ضیاء آقایان موافقین قیام
فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای
رضوی قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

چون وضع ارزاق بد و محل نگرانی
آقایان نمایندگان است پیشنهاد میکنم که
کمیسیون شش نفری از مجلس شورایی
انتخاب که رسیدگی بقضیه کرده و کمک
باداره ارزاق باشد.

رئیس - آقای رضوی
(اجازه)

رضوی - عرض میکنم این مسئله از
طرف بعضی از آقایان نمایندگان هم در
مجلس طرح میشود و مجلس را معطل می
کند و همه هم حق دارند من جمله بنده هم
امروز عرض کردم لهذا برای اینکه باین نوع
مذاکرات خاتمه داده شود پیشنهاد شد
کمیسیونی با اطلاع دولت تشکیل شود و
اگر آقایان نمایندگان نظری دارند بآن
کمیسیون بگویند و آن کمیسیون بادولت
مشورت کند و یک اقدامی بکند که تحط
سرتاسر مملکت را نگیرد.

رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)

طهرانی - بنده تعجب میکنم از آقا که
یک چنین پیشنهادی بمجلس کردند و در واقع
وظیفه قوه مجریه را بهیئت مقننه واگذار
میکنند و مسئولیت ارزاق که متوجه بدولتست
و دولت مکلفست برای تمام ایرانی هادر
هر نقطه از نقاط که هستند ارزاق تهیه کند
مانباید مداخله در امر ارزاق کنیم ما باید
سؤال کنیم اگر نشد استیضاح کنیم. نه
اینکه مداخله کنیم در امر ارزاق و وظیفه
قوه مقننه فقط وضع قانون و نظارت در
قانونست حالا ما یک وظیفه دیگری هم می
خواهیم برایش معین کنیم آنوقت بر گردیم
بدوره استبداد و ارتجاع که قوه مقننه و مجریه
باید یکی باشد.

پس ما باید سؤال کنیم و اگر اعتراضی
داریم اعتراض کنیم و جدا از دولت بخواهیم
که ارزاق مملکت را درست کند و الا بنده
چه صلاحیتی دارم که بیایم بگویم ارزاق چه
شکل است باید دولت ارزاق مملکت را
تهیه کند هر وقت دولت تهیه نکرد باید سؤال
کرد استیضاح کرد اهمیت ندارد لیکن

نباید مداخله کنیم در امر ارزاق و مسئولیت
را متوجه خودمان کنیم از این جهت بنده
مخالفم.

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای
رضوی آقایانی که تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.
(پیشنهاد آقای سلطانی بشرح
آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه قانون
مبیزی جزء دستور جلسه آتی در مرحله
اول شود.

جمعی از نمایندگان - صحیحست

رئیس - مخالفی ندارد.

(گفتند خیر)

رئیس - چون روز ۳ شنبه و ۴ شنبه و ۱
شنبه بواسطه روضه خوانی تشکیل جلسه
مقدور نخواهد بود اگر تصویب میفرمائید
جلسه آتی ۳ شنبه سی و یکم شهریور
باشد.

آقای رضوی
(اجازه)

رضوی - بنده عقیده ام اینست که روضه
در روز ۴ شنبه شروع شود که جمعه تمام
بشود و یکشنبه مجلس دایر شود آقای
از باب هم می گویند من روز شنبه چادر و
غیره را جمع آوری میکنم اگر بنا شد
روز جمعه تمام شود برای روز یکشنبه
تشکیل جلسه مانعی ندارد بی خود نباید مجلس
را تعطیل کرد.

رئیس - رای می گیریم آقایانی که
تصویب میکنند روز ۳ شنبه باشد قیام
فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.
(مجلس ۳ ربع ساعت بعد از
ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا
منشی - شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۹۹

صورت مشروح مجلس

سه شنبه سی و یکم شهریور

۱۳۰۴ مطابق سوم ربیع

الاول ۱۳۴۴

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر
بریاست آقای حسینخان پیرنیا
تشکیل گردید

صورت مجلس ۱ شنبه بیست و دوم
شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت
نمودند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده قبل از دستور
عرض دارم.

رئیس - آقای دولت آبادی
(اجازه)

دویت آبادی - بنده هم قبل از دستور
عرض دارم

رئیس - آقای حشمتی
(اجازه)

شاهزاده حشمتی - بنده هم عرض
قبل از دستور است

رئیس - آقای اتحاد
(اجازه)

اتحاد - بنده هم قبل از دستور در
موضوع دستور عرض دارم.

رئیس - آقای عدلی
(اجازه)

عدلی - بنده روز ۱ شنبه دو ساعت
دیر آمدم اجازه خواسته بودم بی اجازه نبودم
مرا بی اجازه ثبت کرده اند.

رئیس - شما اجازه خواسته بودید ولی
معلوم نیست کمیسیون قبول کرده باشد.

حاج حسن آقاملک - چون هذر شان
موجه نبود کمیسیون نپذیرفت.

رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - بنده در دستور عرض
دارم.

رئیس - صورت مجلس ایرادی
ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - یک مسئله ایست
که مکرر در دوره چهارم و پنجم سابقه
پیدا کرده است.

بنده خودم می دانم نتیجه ندارد ولی
ناچارم بگویم زیرا کسیکه در دادناچار
است دردش را بگوید.

مأمورین مالیه در جهرم مطابقت
تلگرافاتی که از اهالی رسیده نهایت تعذبات
را میکنند. از کسانی که در صحرا خار
میکنند و با کوله بشهر می آورند از آنها
نواقل میگیرند.

آخر تا کی باید این اسم در این مملکت
باشد که مأمورین مالیه افراد مملکت را به
منزله بهائم فرض کنند.

الان قریب ۲۰ است که ما مجلس
شورای ملی داریم در هیچ دوره از ادوار
چنین چیز هائی نسبت بمردم تعمیل
نمیکردند.

مردم بار میکشند آنوقت از آنها نواقل
میگیرند.

مکرر اینجا صحبت شد. است که
وزراء در مجلس علنی باید حاضر باشند
که مسائلی که در مجلس مطرح میشود بشنوند
من مطابق قسمی که خورده ام باید این
مسائل را بعرض آقایان برسانم.

این يك مسئله. مسئله دیگر راجع
بدخانیات است.

البته در نظر آقایان هست بعد از آنکه
این مالیات که مشکن تعمیل شد بردخانیات

آقای مدرس يك ماده برای اصلاح آن بشما داد کردند و آن این بود که تا موقتی که نظامنامه این کار از کمیسیون بگذرد باید حداقل گرفته شود...

حالا اگر این پول در جیب دولت میره و بجه مناسبت پول خلاف قانون باید تحویل دولت برود اگر غیر از این است بجه مناسبت مأمورین متخلف متعددی بر مردم بیچاره میگمارند...

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - بنده تصور میکنم در آینده يك مردم بیابند که دفاتر دوره های تقنینیه ما را بدقت از سر تا ته مطالعه و نگاه کنند به بنده این مجلس شورایی ملی تنها بوده است با معنی لغوی خودش فراموشخانه هم بوده است...

بنده تصور میکنم همچو روزگاری بیاید که مردم دفاتر مجلس را نگاه کنند و بگویند عجب مردمان فراموشکار و مسامحه کاری بوده اند مطالب مهمه را فراموش و بی اعتنائی گذرانده اند و هیچ دنبال نکرده اند...

بنده تصور میکنم که اقلا جهل پنجاه هزار خروار جنس موجود در انبار هست مثل آن خزانه دولت که خیال میکردم چهل پنجاه کروار پول دارد...

است ما نمی توانیم حساب بدهیم و آن پولی است که خرج اداره ارزاق شده است و میگویند چون موقع سخت و فوق العاده بوده است ما نمی توانیم حساب این پول را بدهیم ولی در مقابل این پول که تحققاً نمیدانم چقدر است میگفتند ارزاق اداره شده است...

ما گفتیم خوب اگر ارزاق اداره شده باشد عیبی ندارد. حالا بنده نمی دانم (ارزاق اداره شد) را آقایان چطور درک فرموده اند...

معنی اداره شد این نیست که انبارهای بیرون را توقیف کنند نه بنده برعین بدهند که بکار و نه نان که بخورد...

مطلبه حساب یول را بکنند. آنروز گفتند چون ارزاق اداره شد حساب یول را نمیدهم ما هم قبول کردیم حالا که کم بشنم ارزاق اداره نشده است باید حساب آن یول را بخوایم و اگر حساب آن یول را نخواهیم بتمه داتی که اینجا کرده ایم وفا نکرده ایم...

بنده خود تصور میکردم که اقلا جهل پنجاه هزار خروار جنس موجود در انبار هست مثل آن خزانه دولت که خیال میکردم چهل پنجاه کروار پول دارد...

دولت الان در گمال زحمت و وسرت است برای تهیه و رساندن جنس مردم و علت این مسئله اینست که ارزاق اداره نشده است يك ادارات عریض و طولی و يك بناهای عالی درست کرده اند...

دیروز گفتند که قیمت نان را قدری پایین ما بردند دیشب نوبی همین شهر چقدر مردم گرسنه خوابیدند و نان گران بود...

مقصودم فقط مردم طهران نیست مردم تمام نقاط ایران را میگویم ما خیال می کنیم وقتی ارزاق طهران به زحمت که هست اداره شد ولو اینکه آن قسمت که در پیش بر چاره رفته است از سر خورن جمع کرده نان طهران اداره شد نان تمام مملکت اداره میشود...

انبارهای را که درش را بسته اند روزی تمام مردم در آن انبار ها است بترسم که برای سال بعد باید کاشته شود در همین انبارها است بعضی از شهرها مخصوصاً بطه ریکه شنیده ام در قم اینطور است که فرستاده اند از خارج با زحمت زیاد گندم تحویل کرده اند و اداره ارزاق اجازه ن داده است که بر فرد آنرا بکارند و بر گردانند...

بنده خود تصور میکردم که اقلا جهل پنجاه هزار خروار جنس موجود در انبار هست مثل آن خزانه دولت که خیال میکردم چهل پنجاه کروار پول دارد...

آقای وزیر ماله یادگیری بیایند جواب بدهند و اگر جواب ندهند بنده تکرار خواهم کرد تا يك نتیجه از این کار گرفته شود...

رئیس - آقای حشمتی (اجازه) حشمتی - گرچه يك قسمت عدله از عریض بنده را راجع مسئله ارزاق فرمودند وضعیت مأمورین ارزاق در خارج مرکز و قی العاده از طریق عادلانه خارج معلوم نیست آخر سال چه خواهد شد...

است که الان اول سال است مردم بقدری به آه و ناله افتاده اند که نهایت ندارد بقدری از اطراف تلگراف تنظیم سر من ریخته است و مقامات مربوطه رسانیده ام که حقیقتاً دیگر از رسانیدن آنها عاجز مانده ام...

یکی از تلگرافات این تلگراف است که اهالی کمره و رعایای آنجا کرده اند که مأمورین ارزاق تمام جنس آنجا را توقیف کرده است رعایا و اشخاص دیگر هیچکدام نمان دارند نه گندم برای بنده ترتیب آنجا هم طوری است که اگر در سنبله و تادروز از میزان گذشته بنده کاشته نشود دیگر بذر کاری فایده ندارد...

یکی دیگر اینکه معلوم نیست اداره ارزاق با مردم چگونه حساب میکنند اگر رعیت بدبخت فرضا ده تومان خرج قنات یا خرجهای ضروری دیگر کرد است آنوقت این ده تومان را در موقع حساب بالا پنج تومان حساب کنند این رعیت دیگر زراعت نخواهد کرد و حقیقتاً از این تلگرافات بقدری برای بنده آمده است که بنده عاجز مانده ام جواب بدهم...

رئیس - اگر بنده راجع بدستور وقت آقایان محترم را توضیح میکنم برای این است که در ختام جلسه غالب آقایان تشریف ندارند که دستور معین شود یا اگر کسی...

چیزی نمی بینم نظرش مردمان اظهار کند ما منظور که آفتی دولت آبادی اختیار کردند در بعضی کارها فراموش کاری پیدا می شود و حقیقتاً نجاس صورت يك فراموشخانه را پیدا میکند بعضی از لواجیح که فوق العاده مهم است بتأخیر می افتد و گاهی اتفاق می افتد که از درج کلام ساقط میشود...

در صورتیکه بنظر بنده از نقطه نظر امتیازات محلی نباید می اهمیت باشد موضوع دوم راجع بتجدید کثرت مستر کر است البته بعضی از آقایان شکایاتی از اوضاع مالییه دارند خود بنده هم شکایات زیادی دریافت کرده ام...

رئیس - بفرمائید. حائری زاده - اگر چه میل نداشتم وقتیکه لایحه میزای مطرح میشود چیز دیگری را مقدم بدارم ولی قانون انتخابات حاضر شده و خبر آنرا هم کمیسیون بودجه داده است و گمان نمی کنم مذاکرات مفصلی لازم داشته باشد خوبست آن را در مقدم دستور قرار دهند...

رئیس - با این پیشنهاد مخالفی نیست؟ آقای شوشتری (اجازه) شوشتری - قانون میزری که بنا است مطرح شود قضیه ایست که ما به الاحتیاج تمام مملکت است و حقیقتاً باید دید مردم بالین فشار امنای ماله و ارزاق از ما چه انتظارانی دارند وجه میگویند حالا قانون انتخابات مطرح باشد ومدتی طول بکشد...

بنده مخالف با قانون انتخابات نیستم ولی با تقدمش مخالفم بعقیده من مقدم بر همه قانون میزری است بعد قانون انتخابات. رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای حائری زاده را تصویب می کنند قیام فرمایند...

رئیس - تصویب شد. راپورت کمیسیون قرائت میشود. (بشرح آنی قرائت شد) ماده اول... مجلس شورای ملی بوزارت ماله اجازه میدهد که مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان برای مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه بوزارت داخله بپردازد...

بنده تصور میکنم اگر ما بخواهیم بجای مستر کر و یک نفر امریکائی دیگر بیاییم باید واقعا دو سال سه سال زحمت بکشد تا اشخاص را بشناسد و با اخلاق آنها...

مطلع شود تا مقام مستر کر را نسبت به مملکت پیدا کند و در حقیقت مملکت صورت يك مدرسه را پیدا میکند گاهی امریکائیها را بیاورند يك اطلاعاتی پیدا کنند و بروند در عرصه این لایحه هم مهم است و خوب است این لایحه زودتر به مجلس بیاید...

این شخص هم خدمتانی کرده و گمان میکنم بگردن دندانهای اغلب از آقایان حق داشته باشد در هر صورت بنده پیشنهادی در این موضوع تهیه کرده ام. جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم. حائری زاده - بنده در دستور عرضی دارم...

رئیس - بفرمائید. حائری زاده - اگر چه میل نداشتم وقتیکه لایحه میزری مطرح میشود چیز دیگری را مقدم بدارم ولی قانون انتخابات حاضر شده و خبر آنرا هم کمیسیون بودجه داده است و گمان نمی کنم مذاکرات مفصلی لازم داشته باشد خوبست آن را در مقدم دستور قرار دهند...

رئیس - با این پیشنهاد مخالفی نیست؟ آقای شوشتری (اجازه) شوشتری - قانون میزری که بنا است مطرح شود قضیه ایست که ما به الاحتیاج تمام مملکت است و حقیقتاً باید دید مردم بالین فشار امنای ماله و ارزاق از ما چه انتظارانی دارند وجه میگویند حالا قانون انتخابات مطرح باشد ومدتی طول بکشد...

بنده مخالف با قانون انتخابات نیستم ولی با تقدمش مخالفم بعقیده من مقدم بر همه قانون میزری است بعد قانون انتخابات. رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای حائری زاده را تصویب می کنند قیام فرمایند...

رئیس - تصویب شد. راپورت کمیسیون قرائت میشود. (بشرح آنی قرائت شد) ماده اول... مجلس شورای ملی بوزارت ماله اجازه میدهد که مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان برای مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه بوزارت داخله بپردازد...

بنده تصور میکنم اگر ما بخواهیم بجای مستر کر و یک نفر امریکائی دیگر بیاییم باید واقعا دو سال سه سال زحمت بکشد تا اشخاص را بشناسد و با اخلاق آنها...

از اعتبارات مورد نیاز ما اول ضرورت پیدا کند وزارت ماله مجاز است که از بودجه کل سنه ۱۳۰۴ مملکتی مبلغ مزبور را پرداخته و پس از تعیین صرفه جوئی از آن بابت محسوب دارد...

رئیس - مذاکرات راجع با کلیات است. آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقاسید یعقوب - بنده مخالف نیستم که انجنین نظار مخارج دارد و مأمورین انجنین نظار که در انجنین های فرعی هستند مخارج دارند...

مخالفت بنده از این نظر است که تمام آقایان در دوره پنجم دیدند که همین گذشتن اعتبار برای دولت و رئیس الوزراء وقت اشکالاتی ایجاد کرد...

فرمايد تلگراف می آید که فلان مقدار وجه باید برای انتخابات معین شود و يك بودجه عریض و طولی می فرستادند فوراً از اینجا هم يك نفر مأمور برای رسیدگی بصبت آن مأمور میشد يك وقت میدید انتخابات فارس یا خراسان در حین جریان توقیف شد...

چرا باید انتخابات در حین جریان توقیف شود ما يك اداره عریض و طولی مثل اداره ارزاق که آقای دولت آبادی بیان فرمودند برای تقییش در این امر درست کرده ایم و این اداره هم يك بازده گیری است که بر این ملت بدبخت تحمیل شده است و نمیدانیم جوابی که در دوره گذشته برای مخارج انتخابات دولت خرج نموده است صورتش بجلس آورده اند یانه که ما بدانیم مخارج انتخابات چقدر بوده است...

بنده اطلاع ندارم که مخارج انتخابات در دوره پنجم چقدر بوده است. حالا نمی دانم صورتش بکمیسیون بودجه آمده است و آقایان اعضاء کمیسیون بودجه آنرا دیده اند یا نه ولی بنده نمیدانم صورت تفصیلی خرج دوره پنجم بجلس نیامده...

از این جهت و جهت دیگر که عرض کردم که يك اداره عریض و طولی برای تقییش درست شود و بی دریغ مثل دوره پنجم مفتش برود و انتخابات را توقیف کند مخالفم. مخبر کمیسیون بودجه - اظهاراتی که آقای آقاسید یعقوب فرمودند البته شاید يك مقدارش وارد بود ولی امروز بالین لایحه نمی شود مخالفت کرد برای اینکه درسال سابق در موقع انتخابات يك عملیاتی شد که شاید تازه برخلاف قانون بوده است ولی امروز که با بدانتخابات شروع شود تصدیق می فرمائید اگر این لایحه تصویب نشود انتخابات بتأخیر خواهد افتاد... علاوه با اصلاحاتی که در قانون انتخابات...

جدید شده است تصور میکنم آن نگرانی هائیکه آقای آقاسید یعقوب داشتند فرجه بود برای اینکه این قانون انتخابات جدید تکلیف را واضح تر و روشن تر نموده است...

در قانون انتخابات سابق اگر انجنین نظار ایرادات و شکایاتی داشت شاید كاملا تکلیفش معین نبود ولی در این قانون جدید بطور وضوح و روشن تکلیف معین شده است...

باین جهت تصور میکنم نگرانی هائی که آقایان در واقع نشود. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است...

رئیس - رأی می گیریم برای ورود در شور مواد. آقایان تصویب میکنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده اول (بشرح سابق خوانده شد) رئیس - آقای کاژرونی (اجازه) کاژرونی - بنده موافقم رئیس - آقای اخگر (اجازه) اخگر - بنده موافقم...

رئیس - تصویب شد. ماده اول (بشرح سابق خوانده شد) رئیس - آقای کاژرونی (اجازه) کاژرونی - بنده موافقم رئیس - آقای اخگر (اجازه) اخگر - بنده موافقم...

بنده تصور میکنم که اقلا جهل پنجاه هزار خروار جنس موجود در انبار هست مثل آن خزانه دولت که خیال میکردم چهل پنجاه کروار پول دارد...

و کمیسیون ناچار است که از این قانون مستثنی کند.

دولت الان يك خالصجاتي دارد که غير انتقالي است و این ملک دولت است. دولت را هم مثل یک فردی را شخص یا از ارباب ملک فرض کنید که مالک این املاک است اما در مسئله خالصه انتقالی در دور ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در اثر يك ترتیباتی يك ملكي را مثلا بيك نفری واگذار کرده اند اما اصل مالیات آن ملک را که عبارت از جنس و نقد باشد باید آن شخص بپردازد صورت عایدات خالصجات دولتی در کتابچه حاج میرزا آقاسی و دیگران هست همه صورت دارد و معلوم است.

دولت فلان ده را بفلان کس واگذار کرده برای اینکه سرپرستی کند اما اصل آن ملک بجای خودش باقی است در این مدت که عایدات املاک خالصه خوب و زیادی از مالیات بوده صاحبانش خیلی بدوات دعا میکردند.

شاگرد راضی بودند.

ولی حالا که در عایداتش قدری نقصان حاصل شده داد و بیداد دارند از اینکه مالیات این املاک را نمی توانیم خالصجات انتقالی را جزو و مشمول این قانون بدانیم و همان طور که صحبت شد دولت برای تصفیه مالیات خالصجات خود ناچار است يك لایحه جداگانه تنظیم و بمجلس پیشنهاد کند تا معلوم شود ترتیب اداره کردن و مالیات این املاک بچه شکل خواهد شد.

پس ما حالا نمی توانیم خالصجات انتقالی را جزو این قانون بکنیم.

اما در مسئله دوم که آقای یاسائی فرمودند.

من خیلی از آقای یاسائی که يك نفر از طرفداران دهقان و برزگرند تعجب میکنم چرا نمی گذارند يك همچو لایحه که بشف و آسودگی رعایا است از مجلس بگذرد معروف است هر جا جلوس زر را بگیري نفع است.

شما ملاحظه کنید امروزه این ترتیبات مأمورین مالیه بواسطه نبودن يك دستور واحد همه متعطل شده که تکلیف آنها را همین کند چه بر سر رعایا می آورند و چه شکل مالیات از آنها می گیرند که خدای بخورده است این ترتیبی که حالا مقرر میشود ظلم است همین ندارد زیرا ظلم بسالوسه عدل است.

وقتی که بنا شود در همه جا طرز وصول مالیات يك جور بود و ناوخت باشد البته بهتر از ترتیب فعلی خواهد بود.

بنده مکرر عرض کرده ام تقسیم بین مالک و رعیت در نقاط مختلفه مملکت خیلی مختلف است و دولت هم که نمی تواند تابع

آراء فرد فرد مالکین مملکت واقع شود در هر جائی يك ترتیبی مقرر است.

مثلا مالک شیراز يك قسم معامله با رعایا میکند.

در خراسان مالکین يك قسم دیگر معامله دارند.

در گیلان یا جای دیگر نوع دیگر معامله دیگر است.

دولت که نمی تواند تمام این آراء و اشکال متناقض را قبول و اجرا کند.

معامل است که بتواند این کار را بکند زیرا ملاحظه بفرمایید یکجا ۱۰ يك است. يك جا ۵ يك است و دولت نمی تواند ترجیح قائل شده و آراء بعضی جاهارا بر بعضی جاهای دیگر مقدم بدارد.

تمام نقاط هم جزء مملکت است.

مثلا اگر بخواهد ترتیب و آراء سواحل بحر خزر را مناطق فرارده آتوقت آذربایجان میگوید چرا مال من را قرار ندادی.

اگر بخواهد مال آنجا املاک بداند جای دیگر شکایت میکند که چرا مال من را میدانند استی.

تمام رعایا هم جزو ملت ایران و مساوی الحقوق هستند پس دولت بهیچوجه نمی تواند آراء مختلف مالکین را منطبق اعتبار قرار دهد و ناچار است همانطور که میزان و مقادیر مختلف را بصورت واحدی در آورد این کار را هم متحدالشکل کند يك اصل کلی را در مملکت اجرا کند و بر حسب تصویب مجلس ترتیب وصول مالیات را بيك صورت جدید تصحیح در آورد.

آقای یاسائی خوب میدانند که بنده هم طرفدار رعیت ولی لازمست عرض کنم که آنها هم زیر بار زور نمی روند و مالکین مراعات رعایا را حتی الامکان خواهند کرد و مصلحت رعایا و ملت هم در این است که ما امروزه قانون میزبانی را تصویب کرده و بجزبان بیندازیم و این صدها که در این لایحه نوشته شده خوب است هم کمیسیون قوانین مالیه هم دولت کاملاً رعایت عدل و انصاف را کرده و این چیزی که مین منشاء و مصدر امور هستیم.

مصدر باید حکم راجاری و ساری کند و دیگران باید از ما تاسی کنند.

مانا چاره در این باب يك قانونی وضع کنیم و مسئله را بصورت واحد و متحدالشکلی در آوریم.

پس از تصویب این قانون البته شکل و طرز مالیات تغییر پیدا میکند و راحت می شوند این هم جواب این اشکال. گمان میکنم همه تصدیق دارند که همراهی کردن یا این قانون خیلی خوب و مناسب است تا بلکه با بودن رئیس بهلوی این کار را از پیش ببریم مثل قانون نظام

اجباری و غیره این کار هم پیش برود.

در ماده اول که میگوید از اراضی صدها دیگر لازم نیست که در تمام جاها گفته شود از اراضی صدها از اراضی صدها در آب و دك و طواحين مالیات آب را معین نکرده میگوید صدها در صورتی که اراضی داخل در همان ماده اول و جزء اول میشود.

پس این اشکال شما غیر وارد است و آقایان باید همت کنند که این قانون زودتر از مجلس بگذرد و بوقع اجرا گذاشته شود.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - مذاکرات درین موضوع تقریباً مکرر است زیرا در این دو سه مرتبه که این قانون مطرح شد تمام این مذاکرات گفته شد هر قدر هم که ممکن بوده کمیسیون حل کند کمیسیون حل کرده و درین قسمتی هم که گفته شد که اعتراض آقایان وارد است باین قسمت مالیات بیشتر توجه میکنند بر رعایا بنده این اعتراض را وارد نمی دانم برای اینکه رعایا بر حسب تقسیم سهم میبرند یعنی از بذر و گاوهم آنها استفاده میکنند البته اگر مالیات هم بر آنها تحمیل شود اشکالی ندارد.

در قسمتی که فقط سهم کار کرد را استفاده میکنند و پنج يك می برند در آنجا بآن ها تعلق نمی گیرد زیرا که خود زیر بار رعیتی و دهقانی نمی روند مگر اینکه این مالیات را خود مالک بعهده بگیرد و تا مالک بعهده نگیرد رعیت زیر بار رعیتی نمی رود بالطبع در این قسمت مالک اراضی خواهد شد و رعیت هم رعیتی ملک او را قبول خواهد کرد.

اما در آن دو سه قسمتی که رعیت با مالک شریکست از قبیل سهم بذر و گاو و غیره اگر در آنجا هم رعیت معاف شود از مالیات گمان میکنم ظلم است.

پس در این قسمتی که آقایان علاقمند هستند یعنی مالیات نسبت بکار رعیت توجه نکند این البته بدیهی است که توجه نخواهد کرد.

ولی اگر بقسمت سهم گاو و بقرش مالیات توجه شود که از سرمایه آن استفاده کرده ظلمی نشده است.

زیرا اگر سرمایه بیش من باشد باید از من مالیات گرفت و اگر پیش رعیت هم باشد باید از او مالیات اخذ نمود و این فرقی نمیکند برای اینکه شخصی موضوع را نیست که تغییر نمی دهد پس این اعتراض وارد نیست.

لیکن چیزی که خیلی مشکل است و قبلاً هم عرض کرده بودم این است که آقای کازرونی هم تذکر دادند و آن راجع به

خالصجات انتقالی است که خیلی مشکل است زیرا مالیات هائیکه از آنها گرفته می شود خیلی بی ترتیب است برای اینکه از بعضی ها زیادتر و از بعضی جاها کمتر گرفته می شود آنها را باید میزبانی کنند و آن قانونش را هم زودتر کمیسیون در نظر بگیرند و بمجلس بیاورند و بترتیب راه عادلانه هم همان قسمتی بود که قبلاً عرض شده و آن يك فرقی است که چشمه و قنات را رعایت کنند.

زیرا از کلیه محصول دیعی و آبی و چشمه و قنات نوشته اند و در صورتی که قنات مسلماً همیشه يك مخارج عادی دارد علاوه بر مخارج سرمایه ابتدایی که این مخارج بایستی رعایت و تأمین شود والا ممکنست اساس قنات از بین برود.

بنا بر این خوب بود يك فرقی بین چشمه و قنات می گذاشتند.

دیگر اینکه طواحين آب دنگ و یادنگ مینوسد در صورتی که باید بین آنها هم فرقی قائل بشود برای اینکه آب دنگ فقط با آب و سره به کار میکنند ولی یادنگ را یکسره رویش فعلگی میکنند و از روی فعلگی مزد گرفتن و از او مالیات گرفتن. این بعقیده بنده ظلم است زیرا در آب دنگ هم سرمایه کار میکنند ولی در یادنگ هم سرمایه هر دو دخالت دارد.

پس اینها را در يك حکم قراردادن بعقیده بنده یک قدری ظلم است.

بعلاوه این قسمت هم که می نویسد از عایدات قنات که بمصرف شرب میرسد این را هم بعقیده بنده خوب بود تغییرش می دادند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - در کفایت مذاکرات اگر مخالفت بفرمائید

محمد هاشم میرزا - چون این قانون یکی از قوانین مهمه است و این مطلب بخصوص هم یکی از مطالبی است که چندین سال باید باقی بماند.

بنابراین بعقیده بنده باید مخالف و موافق توضیحات خودشان را بدهند تا مطلب روشن شود و اگر چنانچه نیم ساعت دیگر هم طول بکشد و حقایق گفته شود بهتر است تا اینکه مطالب گفته بماند.

از این جهت عقیده ام این است که مذاکرات کافی نیست.

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (اگر قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است، پیشنهادهای زیادی رسیده است اگر اجازه می فرمائید باشد برای بعد از تنفس. (نمایندگان - صحیح است)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از سه ربع مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (پیشنهاد آقای آقا شیخ فرج الله بمضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم جزء اول ماده بدین طریق اصلاح شود:

املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغاتی که بغیر آب خریدنی مشروب میشود صدها.

آقا شیخ فرج الله - جزء اول ماده نوشته است املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغات قبل از تقسیم ما اینجا بقید قبل از تقسیم را که بطور کلی از مالک صدها بگیرند در صورتیکه بعضی باغات هست که آب ملکی ندارد و آب میخورد مثلا ۵ تومان آب میخورد برای املاک که صد تومان حاصل بردارد آنوقت باین قید مالیات او اضافه میشود و باید صدها مالیات بدهد بجهت اینکه عبارت قبل از تقسیم است و اگر این عبارت قبل از تقسیم زائد است و سهم آن موضوع میشد این اشکال وارد نبود و مالیات بیشتر هم گرفته میشد.

ولی حالا که این شخص مثلا ۵ تومان آب خریده و بمصرف باغ رسانده که صد تومان محصول برداشت کند حالا از آن ۵ تومانی که صرف باغ کرده باید از آنهم مالیات بگیرند و این در حقیقت با این قید اینطور میشود که دو برابر مالیات بدهد.

اگر چنانچه مثلا يك جایی باشد که آب و باغ مال يك نفر باشد از باغ جداگانه و از آب هم مالیات گرفته شود این چندان عیبی ندارد.

ولی اگر جایی باشد که آب مال غیر باشد و مالک باغ باید آب را بخرد آنوقت بعد از خریدن آب از صد تومان ۳ تومان مالیات آب را بدهد و از قسمت ۵ تومانی هم که آب خریده يك مالیات دیگری بدهد این ظلم است.

اینجا ما باید عبارت را تخصیص بدهیم بی باغاتی که از آب خریداری مشروب نمی شود باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که اینطور اصلاح شود.

وزیر معارف - اینجا آقای آقا شیخ فرج الله يك سهو و کوچکي فرمودند و آن اینست که راجع بآب خریدنی می فرمایند آب و باغ فرق نمیکند اگر آب مال خودش باشد باید مالیات بدهد و اگر مال خودش هم نباشد از دیگری میخرد برای استفاده خودش.

مثلا فرض بفرمائید برای يك باغی ۵ تومان آب میخرد این خودش میداند که اگر این آب را بخرد و صرف این باغ نکند از اینجا استفاده نمیکند و انگهی این مالیات يك مالیات خیلی عادلانه است زیرا از صد تومان ۳ تومان باید مالیات بدهد از ۵۰ تومان صدها نیست و این میزان

هم که حساب فرمودند که برای صد تومان عایدی ۵۰ تومان آب بخردند هیچ همچو چیزی اتفاق نمی افتد و بعقیده بنده این ایراد آقا وارد نیست.

رئیس - پیشنهادات رسیده است قسمت قسمت بهمان ترتیبی که ماده اول نوشته شده رأی می گیریم.

(پیشنهاد آقای مدرس بمضمون آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده بطریق ذیل الف. مالیات املاک اربابی بطریق ذیل اخذ خواهد شد و از خالصجات انتقالی دو برابر گرفته میشود الی آخر.

مدرس - اگر چه این پیشنهاد من يك اصلاح است که در حقیقت اصلاح عبارتیست ولیکن گمان میکنم اگر دوسه کلمه توضیح بدهم بی مناسبت نباشد.

نظر من ازین پیشنهاد دو چیز است یکی آباد شدن املاک و یکی هم راحتی مردم مأمورین دولت در گرفتن مالیات من این دو نقطه نظر را دارم و این را تعقیب میکنم. آبادی املاک و ازدیاد عایدات و راحتی مردم مأمورین مالیه درین پیشنهاد بنده گنجانده شده خالصجات انتقالی که من اطلاع در خیلی جاها دارم حقیقه مالکش ممالک ملکی بآنها نمیکند یعنی توجه کامل مخارج کامل و علاقه کاملی که باید بآنها داشته باشند و آنجا هزار آباد کنند آن علاقه مندی را مالکین ندارند و من خیال میکنم که اگر در تحت يك مالیات منظمی در آید موجب آبادی آنجا بشود و زحمت زیاد هم در داد و ستدش و اختلاف بین مالیه و مالکین تولید میشود این مسئله هم اسباب ترقی آبادی املاک میشود و هم اسباب ترقی قیمت آنها میشود و در حقیقت این اسم هم از بین میرود و مالک هم منتهی ملکت را تعقیب میکند و مالیاتش را دو برابر می پردازد و در عوض بقیمت ملکش افزوده میشود.

اگر کسی رجوع کند بمعاملات مأمورین مالیه در خالصجات انتقالی میبینند که قدر مردم از این حیث در زحمتند و حتی خود مأمورین مالیه هم در گرفتن مالیات در زحمت هستند.

باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که از خالصجات انتقالی دو برابر گرفته شود.

حالا اگر يك کسی عقیده اش اینست که زیادتر باشد ممکن است زیادتر پیشنهاد کننده من حرفی ندارم مقصود این است که در تحت مالیات منظمی در آید که موجب اطمینان مردم شود و معاملات ملکی باین املاک بکنند و آنجا را آباد کنند لهذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که دو برابر باشد.

اختصاص باملاک ندارد آسیا باشد. آب باشد املاک باشد همینقدر که جزء

خالصجات انتقالی شد این مالیات که در ماده اول نوشته شده اربابی صدها از خالصجات انتقالی دو برابر گرفته شود که بعقیده من دولت آمد و گفت روی صدها میزبانی کردیم و صدها کسر کرد از عایدات ما مکلفیم که اینجا بیائیم و بگوئیم صدها را باید صد چهار کرد و اگر آقای وزیر مالیه مجدداً آمدند اینجا گفتند صدها چهار هم کسر کرد ما باید صدها کنیم و بهین ترتیب مالیات خالصجات انتقالی هم دو برابر میشود مثلا اگر صدها مالیات اربابی از خالصجات انتقالی صد ۱ گرفته شود و بنظر من باید خالصجات انتقالی از اسم خالصگی در رود و ملك طلق مردم شود تا مردم علاقه مند شوند که آنجا را آباد کنند.

اگر چه من مالک ملکی نیستم اما اگر امروز يك کسی يك خالصجات انتقالی داشته باشد بخواهد ببرد يك جا گرونگ ندارد و پول بگیرد بهش نمی دهند و معامله ملکی بآن نمیکند من میخواهم هم ملك بشود و هم مردم صاحب ثروت شوند.

وزیر مالیه - فرمایشات آقای مدرس تماماً صحیح بود و بنده هم تصدیق دارم که ترتیبی که برای خالصجات انتقالی حالا است صحیح است و باید کاری کرد که کسانی که این خالصجات دولتی بآنها منتقل شده است علاقه مالکیت نسبت بآنها داشته باشند تا بتوانند آنها را آباد کنند. در این هیچ جای شبهه نیست.

اما بنده فقط در اینجا میخواهم يك تذکره بدهم و آن این است که اگر این پیشنهاد قابل توجه شود و کمیسیون برود اسباب تأخیر خود قانون میزبانی میشود زیرا در این اینکه بنده تصدیق دارم که مطلب صحیح است ولی معتقدم که هر کاری را باید با مطالعه کرد.

باید دید که خالصجات انتقالی چه حالی دارد و نتیجه این پیشنهادها را بفهمیم که راست است که فرمودند که عایدات کم شد باید اضافه کرد ولی چرا باید از اول يك کاری کرد که بزودی محتاج بنده بنظر شد.

قانونگذاری کار مشکلی است و زحمت دارد و هر روز نمیشود قانون را عوض کرد و البته اگر با مطالعه کار شود خیلی بهتر است و بنده عرض میکنم که در وزارت مالیه ما مشغول مطالعه هستیم راجع بخالصجات انتقالی و لایحه دارد تهیه میشود که بعقیده بمجلس تقدیم خواهد شد.

مقصود بنده این است که این مسئله را داخل این قانون نباید کرد برای اینکه شاید این قانونا بتوانیم در ظرف یکی دو هفته تمام کنیم و البته تصدیق خواهیم فرمود که این مسئله خالصجات انتقالی لازم است.

ولی اینقدرها فوریت ندارد که اگر

يك ماه یا ۲ ماه دیگر هم طول بکشد يك ضرر بزرگی متوجه مردم شود و بعقیده بنده اگر عاجل بدهد بهتر است.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - کمیسیون قبول میکند.

محمد هاشم میرزا - افسر - عقیده کمیسیون این نیست.

مخبر - اکثریت دارد.

(همه باین نمایندگان)

رئیس - باید از مخبر پرسید که عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - عرض کردم اکثریت کمیسیون موافق است.

وزیر مالیه - يك مطلب باین مهمی را چطور بدهد باین زودی قبول کرد افلا اگر يك کاری باید کرد این پیشنهاد برود بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود و مجدداً بمجلس بیاید.

مدرس - اجازه می فرمائید رفع اشتباه بکنم.

رئیس - خیر نظر نامنامه اجازه نمی دهد.

آقای دستغیب عضو کمیسیون هستی؟

دستغیب - خیر.

رئیس - آقای افسر چطور؟

افسر - بلی بنده میخواهم عرض کنم که کمیسیون عقیده ندارد خوب است آقای مخبر درست عقیده کمیسیون را اظهار کنند.

رئیس - نسبت باین پیشنهادی که شده اگر اظهاراتی دارید بفرمائید.

آقای بیات (اجازه)

بیات - عرضی ندارم.

رئیس - آقای سهراب زاده عضو کمیسیون هستی؟

سهراب زاده - بلی بنده می خواهم عرض کنم چون همانطوری که آقای مخبر قبول کردند ممکن است بعضی اعضاء کمیسیون موافق باشند و بعضی مخالف بنابراین بنده از آقای مدرس استدعا میکنم تأمل بفرمائید تا اینکه این پیشنهادشان يك جلسه بکمیسیون بیاید و مراجعت کند بعدا اگر می خواهند رأی بگیرند.

رئیس - آقای مدرس چه می فرمائید؟

مدرس - بنده حالا که می بینم نظریات آقایان است که در این مسئله تأمل شود این پیشنهاد را پس می گیرم و بکمیسیون می فرستم اگر اشاعه نظریات موافق شد و دولت هم موافقت کرد در آخر قانون پیشنهاد می کنم.

رئیس - عین این پیشنهاد را آقای شیروانی کرده اند.

شیروانی - بلی بنده هم دو قسمت پیشنهاد کرده ام همان بکمیسیون برود بنده هم موافقم.

رئیس پیش نهاد شاهزاده افسر چه بشود .
 افسر مقصود بنده از این پیش نهاد این بود که در این خصوص مذاکره بشود حال چون این پیش نهاد یکمسیون رفت بنده هم یکمسیون مراجعه می کنم .
 رئیس - حق مراجعه بکسیون را ندارید .
 افسر - پس می گیرم .
 رئیس - پیش نهاد آقای آقامیرزا رضا خان حکمت (اینطور قرائت کردید)
 بنده پیش نهاد می کنم در ماده اول اینطور اصلاح شود (سوی خالصجات انتقالی که بجمع خالصه کی انتقال یافته است)
 ذوالقدر - بنده میخواستم تفکیک کنم بین خالصجات انتقالی
 و چون آقای وزیر مالیه تشریف دارند تصور میکنم تصدیق کنند عرض بنده را چون خالصجات انتقالی دو قسم انتقال یافته است .
 یک قسم این است که بقیمت خودش انتقال یافته و اینها در حکم املاک اربابی است و یک قسم دیگرش این است که حقیقتاً بطن بخش و یک ترتیبیاتی در سابق معمول بوده انتقال یافته است در قسمت اول که بقیمت واقعی خودش انتقال یافته و وزارت مالیه هم تشخیص داده است .
 اینها را ما نمیتوانیم مستثنی قرار دهیم زیرا امتیازی با املاک اربابی ندارند برای اینکه همانطوری که املاک اربابی را بقیمت صعیب خریدند اینها را هم بقیمت صعیب خریداری کرده اند و هیچ فرقی با املاک اربابی ندارد ولی آن قسمتی که بطن بخش یا بوسیله پیش کش یا ترتیبیاتی دیگری خرید شده در این قسمت دولت آمده است عایدات را ضمیمه مالیات کرده و حاشیه فرامین هم نوشته شده است که آن قسمت جزء جمعی یک قسمش جزء مالیات و قسمت دیگر از عایداتش متعلق صاحب ملک خالصه است
 لهذا بعقیده بنده باید تفکیک شود و در صورتی که پیش نهاد آقای مدرس قبول شود بنده پیش نهادم را پس میگیرم برای اینکه آنوقت برای املاک خالصجات انتقالی حکم یک نواخت صادر می شود
 و اگر غیر از این بشود بعقیده بنده یک ظلم فاحشی میشود و نسبت به آن قسمت خالص جانی که بقیمت واقعی خودش خریداری شده است .
 وزیر مالیه - در هر صورت چون بنیاد شد و آقای رئیس کل مالیه هم با ما بر مستخدمین آمریکائی حضور داشته باشند در آنجا تصمیمی گرفته شود که موافق با همین نظریه آقایان هم باشد که در ضمن یک لایحه پیش نهاد کنند بمجلس حالا خوب است آقایان این قبیل پیشنهادات را بگذارند برای آخر قانون اگر این ترتیب صورت نگیرد و لایحه از طرف دولت نیامد بمجلس ممکن است در آخر قانون این قسمت را آقایان پیشنهاد کنند .
 حکمت - همان ترتیبی که فرمودند باشد مستلایس می گیرم .

رئیس پیش نهاد آقای ذوالقدر (اینطور قرائت کردید)
 بنده پیش نهاد میکنم در ماده اول اینطور اصلاح شود (سوی خالصجات انتقالی که بجمع خالصه کی انتقال یافته است)
 ذوالقدر - بنده میخواستم تفکیک کنم بین خالصجات انتقالی
 و چون آقای وزیر مالیه تشریف دارند تصور میکنم تصدیق کنند عرض بنده را چون خالصجات انتقالی دو قسم انتقال یافته است .
 یک قسم این است که بقیمت خودش انتقال یافته و اینها در حکم املاک اربابی است و یک قسم دیگرش این است که حقیقتاً بطن بخش و یک ترتیبیاتی در سابق معمول بوده انتقال یافته است در قسمت اول که بقیمت واقعی خودش انتقال یافته و وزارت مالیه هم تشخیص داده است .
 اینها را ما نمیتوانیم مستثنی قرار دهیم زیرا امتیازی با املاک اربابی ندارند برای اینکه همانطوری که املاک اربابی را بقیمت صعیب خریدند اینها را هم بقیمت صعیب خریداری کرده اند و هیچ فرقی با املاک اربابی ندارد ولی آن قسمتی که بطن بخش یا بوسیله پیش کش یا ترتیبیاتی دیگری خرید شده در این قسمت دولت آمده است عایدات را ضمیمه مالیات کرده و حاشیه فرامین هم نوشته شده است که آن قسمت جزء جمعی یک قسمش جزء مالیات و قسمت دیگر از عایداتش متعلق صاحب ملک خالصه است
 لهذا بعقیده بنده باید تفکیک شود و در صورتی که پیش نهاد آقای مدرس قبول شود بنده پیش نهادم را پس میگیرم برای اینکه آنوقت برای املاک خالصجات انتقالی حکم یک نواخت صادر می شود
 و اگر غیر از این بشود بعقیده بنده یک ظلم فاحشی میشود و نسبت به آن قسمت خالص جانی که بقیمت واقعی خودش خریداری شده است .
 وزیر مالیه - در هر صورت چون بنیاد شد و آقای رئیس کل مالیه هم با ما بر مستخدمین آمریکائی حضور داشته باشند در آنجا تصمیمی گرفته شود که موافق با همین نظریه آقایان هم باشد که در ضمن یک لایحه پیش نهاد کنند بمجلس حالا خوب است آقایان این قبیل پیشنهادات را بگذارند برای آخر قانون اگر این ترتیب صورت نگیرد و لایحه از طرف دولت نیامد بمجلس ممکن است در آخر قانون این قسمت را آقایان پیشنهاد کنند .
 حکمت - همان ترتیبی که فرمودند باشد مستلایس می گیرم .

کازرونی - عقیده خودم را بنده قبلا عرض کردم .
 مقصود بنده این است که مشخص شود در کلیه ملک عایدات از املاک چه قدر است املاک هم البته پاراجع باشخص است پاراجع بدولت یا انتقالی است یا غیر انتقالی همانطوری که ملاحظه می فرمائید وزارت پست و تلگراف آن مقداریکه وزارتخانه ها تخصیص داده اند بجهت تلگراف خودشان جزء عایدی خودشان محسوب می دارند که بالاخره اداره تلگرافی چه مبلغ عایدی داشته ام از این که عایدیش از طرف وزارتخانه ها باشد یا از طرف غیر وزارتخانه ها مابینجامی .
 آئیم تکلیف قائل می شوم در صورتیکه وقتی املاک خالصه بر مردم واگذار شد بنا شد که با املاک خالصه معامله ملکی کنند و از آنها صدقه مالیات گرفته شود بنظر بنده با این ترتیب فردان مورد انتقالش باشخص اشکالی پیش نمی آید .
 چرا؟ برای اینکه این ملک خالصه دولت در مقابل صدقه که مالیات می بردارد عایدی دارد یا ندارد اگر دارد قدر است قیمت آن ملک را خوب می شود تشخیص داد ولی اگر اینطور نکردیم همیشه این اداره عریض و طویل راجع بخالصجات را خواهیم داشت و همیشه در سال صیصد چهارصد هزار تومان ضرر خواهیم داشت و معلوم نیست که این ضررها از کجا وجه راه است .
 در هر حال بنده حقیقه هیچ دلیل و فلسفه نمی بینم که خالصه دولت و انتقالی از این موم مستثنی باشد دیگر بنظر بنظر آقایان است .
 وزیر معارف - این پیشنهاد آقای کازرونی با توضیحی که دادند خیلی بی مناسبت بود برای اینکه اگر پیش نهاد جنابعالی تصویب شود مفادش این است که از املاک اربابی خالصجات انتقالی و غیر انتقالی دولت صدی ۳ مالیات بگیرد و این منظور می شود که از خالصه غیر انتقالی که ملک خود دولت است صدی ۳ مالیات بگیرند و از خالصه انتقالی هم صدی ۳ اینکه نمی شود و این فرمایش خودشان را باید درجای خودش توضیح بدهند و این پیشنهاد ایشان اینطور می فهماند که دولت از کلیه املاک صدی ۳ بگیرد .
 بنده نمی دانم منظور این پیشنهاد ممکن است عملی شود .
 کازرونی - بنده استرداد میکنم چون سوء تمیز کردند و اثرش بد است
 رئیس - پیش نهاد های راجع ب قسمت الف قرائت می شود
 (پیشنهاد آقای قوامیرزا شهاب بمضمون ذیل قرائت کردید)
 بنده پیش نهاد میکنم که ماده اول به فرادیل اصلاح شود .
 ماده اول - مالیات املاک اعم از اربابی یا خالصه انتقالی الی آخر

میرزا شهاب بنده خیلی انتظار کشیدم در این پیشنهاد هائی که می خوانم ببینم که در این پیشنهاد ها یک پیشنهادی هست که در عرض صد ۳ صد ۴ پیشنهاد شده باشند و وقتی که این پیشنهادها را خواندم دیدم این پیشنهادها عقیده بنده را تأیید میکنند بنده عقیده داشتم که الحمد لله در مجلس شورای ملی یک اشخاصی هستند که اگر ما خواستیم یک مجلس سنائی تأسیس کنیم همینها میبایستی در آنجا عضویت داشته باشند حالا معلوم میشود که قانون میبزی اصلش چه است چنانچه خود کمیسیون هم در این قانون تردید کرده که اسم آن را چه بگذارند . این قانون میبزی است یا چیز دیگر است .
 بهر حال چون راجع باین قسمت مذاکره نمیشود بنده هم مذاکره نمیکنم در اینجا نوشته اند از کل عایدات صدی سه این از دو قسم خارج نیست یا اینکه ماده بیست همین قانون که نوشته شده است که هر ایالت یا ولایتی که میبزی کردند و ماخذ مالیاتی که بر طبق این قانون به آن تعلق میگیرد کمتر از مالیاتی باشد که حالا پرداخته میشود همان مالیات سابق را بگیرند یا اینکه این ماده بجای خودش باقی خواهد ماند و اگر اینطور باشد این بشوخی نزدیکتر است
 در این ماده که نوشته شده صد سه اگر این ترتیب عمل شود عایدات کمتر می شود
 اسفندیاری - اینطور نیست .
 (همه همین نمایندگان - صدای زنک رئیس)
 میرزا شهاب - آقا اجازه میفرمائید بنده عرضم را بکنم . عرض کردم اینجا مجلس سنا است و وقتی که صدی سه از عایدات را گرفته اند نتیجه این میشود بعد از اینکه دولت یک مخارجی را متحمل شد و میبزی کرد و مردم بزرحت افتادند و اظهار نامه دادند و تقاضا نامه دادند رسیدگی شد آنوقت آفتند فلان ایالت یا ولایت این ماخذیکه حالا باز دید شده است از ماخذ اصلی آن کمتر است و همان مالیات سابق را بگیرند .
 پس در این صورت مایک کاری کرده ایم لغو و بیفایده زیرا مدتی در این باب صحبت می کنیم و بعد معلوم می شود که باید همان مالیات سابق را بگیریم و همین صد سه را بگیرند نتیجه این خواهد شد که مالیات املاک که قسمت عمده شان سرمایه دار است از دادن مالیات معاف میشوند و آنوقت بودجه مملکتی دوچار نقصان میشود و بایستی دو مرتبه مالیات وضع کنند و آن مالیات را بر کی وضع خواهند کرد؟ البته میگویند املاکی که بواجب این

قانون که از تصویب مجلس گذشته میبزی شده .
 دیگر نمیشود بر آنها مالیات وضع کرد و باید مالیات اصناف وضع کرد و می گویند مثلا فلان صنف باید مالیات بدهد این است که بنده برای اینکه بعد نگویند که ماخذ مالیات از آخذ سنا بشک نکند کرده است .
 پس باید مالیات سابق را بگیرند پیشنهاد کرده ام که از حالا صد چهار بگیرند که تقریباً متساوی با مالیات سابق بشود و آقایان هم املت مر دارند که صد سه از مالیات سابق هم کمتر خواهد شد و دیگر بسته است برای مجلس .
 وزیر مالیه بنده عرضی که میکنم در رساله صد سه و صد چهار نیست البته بنده بنا بصره دولت شاید تکلیفم این باشد که با پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب موافقت کنم .
 ولی حالا عرض بنده راجع بیکی عرقه مطلب است که تهیه شده اول آن ماده دست را که فرمودند دیگر با این ترتیبی که حالا قانون میبزی میگردد غیر لازم خواهد بود و باید حذف شود زیرا وزارت مالیه در ابتدا با این ماده موافقت نداشت و اینکه اگر همچون گذشته می کنیم یا فلان می کنیم این ترتیبی که حالا می گذرد از مجلس و یک قدم خوبی است در راه مالیات دیگر ما محتاج آن ترتیب نخواهیم شد و البته با صدی سه که هیچ با صدی چهار هم ممکن است عایدات دولت کسر شود ولیکن دولت و وزارت مالیه با این ترتیب که موافقت می کنند برای اینست که اساس مالیات ارضی در اینجا بیک شتاب صحیحی گذاشته می شود زیرا هم برای مالیات دهندگان و هم برای مالیات بگیر هائیم میشود و با اینکه آقای مدرس در ضمن پیشنهاد خودشان کردند خیلی بیان واقعی بود زیرا کار دولت را تسهیل میکنند که مثلا یک روزی بعد از اینکه این قانون میبزی گذشت و دولت آنرا عمل کرد آنوقت دولت کاملاً میتواند بفهمد که در هر قسم مالیات گرفتن عایداتش چقدر خواهد بود با اینکه بعد از یکسال خواهیم دانست که صد سه بما چه میدهد و اگر صد چهار بگیریم چقدر می شود و همین طور اگر صد پنج بشود چه قدر می شود .
 اگر لازم شد (اگر چه امیدواریم که لازم نشود) و عایدات دولت دچار اشکال شد آنوقت میتوانیم تقاضای صد چهار بگیریم و یک نکته دیگر را هم ما در نظر داریم و آن اینست که دولت با احتمال اینکه عایداتش نکند پیدا خواهد کرد این ترتیب را قبول کرده اند و علاوه وزارت مالیه و دولت هیچ میل ندارند و تصمیم نکرده اند

برای اینکه مردم را بواسطه مالیات در تحت فشار و مضطرب نگذارند بلکه برعکس عقیده ما اینست که هر قدر بتوانیم ما از مردم کمتر مالیات بگیریم مخصوصاً از زراعت که امروزه و شعبش در مملکت ماچندان تعریف ندارد و بلکه هر قدر بشود مساعدت با زراعت و مالک کرد بهتر است .
 بنابر این اگر جزئی نکنی هم در عایدات داشتیم دلخواه نخواهیم شد و یک نکته دیگر را هم باید ضمناً یاد آوری کرد و آن اینست که گفته میشود اگر اینطور بشود بعد عایدات کسر خواهد آمد و مجبور خواهیم شد که برویم بر مردم دیگر مالیات بندیم .
 این را گمان میکنم اگر بنده بکفندی توضیح بدهم ایشان هم تصدیق فرمایند که خیلی خوب است اگر اینطور بشود برای اینکه معنی ندارد در یک مملکت یک جماعتی مالیات بدهند و یک جماعتی دیگر مالیات ندهند .
 چه دلیل دارد زارع و مالک مالیات بدهند ولی تاجر و اصناف ندهند منتهی این مالیات اصنافی که امروزه هست بد است و بنایش غلط است و البته تاجر و اصناف و هر کس که در مملکت کار میکند و عایدی دارد و استفاده میکنند از وجود دولت باید مالیات بدهد .
 اگر دولت لازم است برای مملکت اگر کارهایی که دولت میکنند لازم است اگر برای مملکت عدایه و نظمی و معارف و سایر مؤسسات لازم است البته باید آنها هم شرکت کنند در اداره کردن آنها زیرا در مقابل از آنها استفاده میکنند و باید در مخارج آنها هم شرکت کنند دایلی ندارد بنده که مملک مالیات ندهم ولی کسی دیگر که مملک است مالیات بدهد و اینرا هم در نظر داشته باشید که اولاً اگر کسر کرد برخلاف آنچه که ایشان فرمودند تصور میکنم تصدیق میفرمائید که باید یک مالیات های عادلانه تصویب کنیم چنانکه در نظر هم داریم و یک لویجی هم در این باب تقدیم مجلس شورای ملی شده است که در کمیسیون مشغول مطالعه است و دیگر اینکه ما ملجاء شدیم که همان طریقی چهار بگیریم و اگر جزئی لایحه هم عایدات دولت وارد بیآورد از این باب ملالتی نخواهد بود .
 رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای میرزائی (شرح ذیل خواند شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول قسمت الف ذکر شود بعد از وضع بندر صدی

سه دریاقت شود .
 رئیس - بفرمائید
 میرزائی - بندر سرمایه رعیت است اگر بنا شود از بندر هم هر ساله مالیات بگیرند دیگر چیزی باقی نمی ماند پس باید بندر را موضوع کنند و سایر مخارج را صدی سه قرار بدهند .
 وزیر معارف - اینجا آمدند قرار گذاشتند که از کلیه صدی سه بگیرند و الا اگر میخواستند از بندر بگیرند چه علت داشت که صدی سه بگیرند نه عشر میگرفتند میرزائی - استرداد میکنم پیشنهاد دامغانی - بنده پیشنهاد میکنم در قسمت الف از چشمه و رودخانه صدی سه و از قنوات صدی دو و نیم گرفته شود
 رئیس - بفرمائید
 دامغانی - بنده سابقاً هم عرض کرده بودم که قنوات دارای یک سرمایه است که با راستی بطور استهلاک برداشته شود و علاوه یک مخاطرانی هم همیشه بآن متوجه میشود که خراب میشود بنابر این باید فرقی بین آب چشمه و قنوات قائل شد حالا اگر چشمه و رودخانه را میخواهند صدی پنج بگیرند لااقل باید از آن صدی چهار بگیرند یا اگر صدی سه بگیرند باید از آن صدی دو و نیم بگیرند برای اینکه عادلانه باشد زیرا قنوات خرج دارد و غالباً در مخاطره است و اگر این ترتیب نخواهند بگیرند بنده تصور میکنم ظالم است باین حجه بنده پیشنهاد کردم از قنوات صدی دو بگیرند .
 بخیر - بنده خیال میکردم در طول این مدت این جزئیات در نظر آقایان حل شده و هیچ محتاج به مذاکره نیست خاصه یک نفری که مثل آقای شریعتمداری در اصول ملک داری مهارت فوق العاده دارند یک ملکی که از آب چشمه بارودخانه مشروب میشود در اصل قیمت ملک فرق دارد با ملکی که از قنوات مشروب میشود در این اینکه چشمه خرجی ندارد اگر یک ملکی بایک اراضی که از آب قنوات مشروب میشود پنج هزار تومان قیمت داشته باشد آن ملکی که از آب چشمه بارودخانه مشروب میشود هزار تومان قیمت دارد یعنی قیمت ملک بسته بکمر و وزادی مخارج آنست
 در حقیقت اینجا هم رعایت تفاوت قیمت حاصل است و هیچ محتاج باین اعتراضات هم نبود زیرا تصدیق میفرمائید که خرج قنوات وقتی ملک تعلق میگیرد که ملک دارای قیمت کم باشد و در صورتی که ملک با آب رودخانه یا چشمه زراعتش عمل میآید قیمتش بیشتر است و آن تفاوت در اصل قیمت ملحوظ شده است علاوه در تمام ایران چشمه هائی که بندر زراعت میخورد این اندازه از زیاد نیست که بخواهند اینجا تفکیک کنند و مقصود کمیسیون دولت از تنظیم این قانون این بود که کلیتاً مالیات

بیک نواخت باشد .
 اگر هم حایناً نسبت بعضی از قسمتها فم الجملة خسارتی وارد شود چندان اهمیت ندارد .
 فقط مقصود این بوده است که از زحمت و اشکالی که مردم در طول این مدت از دادن مالیات میکشیدند و بی ترتیبی هائی که تحمل میکردند راحت شوند و الا اگر بخواهند در تمام جزئیات وارد شوند البته یک قنواتی هم هست که هیچ خرج ندارد و فقط یک مخارج مقدماتی دارد زیرا در دشت و کوهستان است و یک رودخانه هائی هم هست که حالت قنواتی دارد زیرا سطح رودخانه با اراضی مجاورش متفاوت است و باید قنات بزنند و آب رودخانه بندازند در قنات ولی بعضی جاها هست که هم ساله یک مخارجی دارد و باید در زیر زمین قناتی تهیه کنند و آنرا روی یک فرسخی در سوار کنند و اگر میخواهند اینها را تفکیک کنند باید در همه جا این قسمت مراعات شود ولی دولت خواسته است که کلیه املاک اعم از دیمی و آبی بیک نواخت مالیات بدهند .
 البته این فرقی در قسمت دیمی و آبی هم پیش میآید ولی تمام اینها را در تحت این ماده تنظیم کرده اند که این اختلافات بکلی رفع شود .
 رئیس - رای میگیرم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای دامغانی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای زاهدی (شرح آتی خواند شد)
 اینجانب پیشنهاد می کنم که قسمت الف اینر قسمه تقسیم شود
 الف - املاک از کل محصول صغی و شتوی و باغات و قلمستان و تاکستان و توتستان و بیشه و مراتع مصنوعی (از قبیل چمنزار و بونهزار و هم سزار و نباتات علوفه از هر قسم) اعم از دیمه یا آبی صدی ۳
 رئیس - بفرمائید
 زاهدی - در قسمت الف از برای اینکه تکمیل شده باشد بنده این پیشنهاد را کردم چون بعضی مراتع هست که خودش روئیده شده است و بعضی هاهم هست که آنها را ایجاد کرده اند و ممکن است که از آنها صدی ۱ گرفته شود و چون اینجاد در قسمت جزئیات مذاکره شد که فرق دارد بنده هم برای اینکه بعضی از این مراتع را حمل بر جنگل نکنند از این جهت این پیشنهاد را کردم .
 بخیر - گمان می کنم که هیچ چیز در این ماده فرو گذار نشده و یک عبارت خیلی جامعی است زیرا عبارت ماده نوشته شده است از کل محصول اعم از آبی و دیمی و

باغات و در قسمت جنگل و مراتع آقبای زاهدی مراتع را به یک چشمهای مصنوعی که غیر از چشم های طبیعی باشد تغییر کرده اند و حال آنکه شامل آفتابانی- شود و مقصود آن چشم ها نیست کد دست طبیعت با قدرت ایجاد کرده است مثلاً اگر کسی یک قسمت از زمین را دارای چمن خود رو کند .

البته آنهم حالت حاصل آبی را دارد و شامل حال آن چمن ها نمی شود .

مثلاً چون جزار را در قسمت مراتع قرار داده اند در حالتی که چون جزار مرتع نیست و خود را یک حاصل است که از آب عمل می- آید و مشمول حاصل آبی است .

رئیس-رأی می گیرم باین پیش نهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد . پیشنهاد شده است جلسه ختم شود .

جمعی از نمایندگان صبح است

رئیس-دو فقره خبر از کمیسیون مرخصی رسیده است قرائت می شود رأی می گیریم و بعد جلسه را ختم می کنیم .

(خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بر مرخصی آقای حاج حسن آقای ملک شرح ذیل خوانده شد)

آقای حاج حسن آقا ملک بواسطه کسالت بتجویز طبیب معالج برای تکمیل معالجه اجازه ۳ ماه مرخصی از تاریخ حرکت کرده اند که بارویا عزیمت نمایند نظر باین که کسالت ایشان امتداد یافته و در عین حال در عرض این مدت از خدمات ملی و حضور در جلسات رسمی و کمیسیونها کمتر غفلت داشته اند علیهذا کمیسیون مرخصی ایشان را تصویب می نماید .

حسن ملک

رئیس- رأی می گیریم- آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد .

(خبر دیگر راجع بر مرخصی آقای ذوالقدر بشرح ذیل خوانده شد)

آقای ذوالقدر نماینده محترم بواسطه حدوث آفات وارد بر املاک از قبیل سبیل و مملخ خواری و اختلال امور زراعت بموجب دعوت تلگرافی اهالی اجازه دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت کرده اند که تا اندازه بلکه بتوانند موفق باره ترتیبات شده کسور ماضیه را جبران کنند .

کمیسیون این تقاضا را پذیرفته و غیبت دو ماهه ایشان را از تاریخ حرکت تصویب می نماید .

حسن ملک

رئیس- آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده- بنده در جلسه سابق که مرخصی ما مطرح بود استدعا کردم ملاحظه اکثریت مجلس و آخر عمر مجلس را هم بفرمائید ولی متأسفانه اول مرتبه مرخصی رئیس کمیسیون مرخصی مطرح شد و حالا بنده تصدیق دارم که ایشان این مدت زحمات زیادی متحمل شده اند و بلکه گاهی از اوقات هم یک نفری کمیسیون را تشکیل می داده اند .

(خنده نمایندگان)

ولی با پیشنهاد آقا کلبه بنده مخالفم اگر چه خیلی ارادت هم بآقای امین الشریعه دارم و در دوره قبل و این دوره هم هنوز مرخصی نگرفته اند و این مدت کمتر از دیگران هم خدمت نکرده اند .

ولی در آخر مجلس باید ملاحظه اکثریت را هم کرد زیرا اگر به این ترتیب مرخصی ها تصویب شود مجلس منحل می- شود و کارهای زیادی هم که در این مدت تهیه شده و باید در این آخر عمر مجلس بگذرد همینطور معوق می ماند و بنده از این جهت مخالفم .

رئیس- رأی می گیریم آقایانی که مرخصی دومه آقای ذوالقدر را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد . بقیه مذاکرات برای روز ۳ شنبه یک سوالی آقای تقی زاده دارند از آقای وزیر مالیه راجع بکارنان و آذوقه عمومی

تقی زاده - بنده سوال را در ۲۰ روز قبل کرده بودم ولی قدری جوابش تأخیر افتاد و در این بین هم خیلی مذاکرات بطور غیر طریق سوال یعنی بطرز مذاکره قبل از دستور در مجلس برای آذوقه عمومی شده است .

ولی بهترین راه همین است برای خود دولت مستقیماً سوال شود و بنده پیش از این در باب سوال عرضی ندارم و حالا چون آقای وزیر مالیه برای دادن جواب حاضر شده اند

بنده هم فقط همان سوالی را که از دولت شده است می خوانم : (آیا وزارت مالیه از وحشت عمومی که در افکار مردم تهران نسبت بامر آذوقه عمومی در فصول آینده موجود و از شکایاتی که فعلاً از سختی کارنان و بدی جنس و تلخی نان است کاملاً مستحضر است و آیا این وحشت کاملاً موقوف بوده و مبنی بر اسباب حقیقی است یا مبالغه در آن می شود و بالاخره وزارت جلیله چه اقداماتی برای اطمینان قلوب و تسکین خاطر و گشایش در کارنان فعلاً و آسودگی مردم در آتیه بعمل آورده است

مناسب است که نمایندگان ملت و عامه از این اقدامات اطمینان بخش در صورتیکه بعمل آمده است مستحضر شوند) این سوالی است که شده است .

وزیر مالیه - در این باب هم مثل سایر مسائل دیگر باید متوجه بود که از افراط و تفریط احتراز شود یعنی مبالغه از هیچ طرف نباید کرد و بنده همیشه معتقد هستم باین صفت اظهارات و عرایض مخصوصاً در مجلس شورای ملی که مرکز رسمی مملکت است بحقیقت نزدیک باشد و کلیتاً از مبالغه و اغراق احتراز دارم و به همین طریق هم جواب سوال نماینده محترم را عرض میکنم نسبت بگذشته تصور میکنم هیچ محل حاجت نباشد بنده اینجا تشریح کنم .

اوضاع زراعتی و محصول امسال را نمی توان پنهان کرد نباید هم پنهان کنیم که اوضاع زراعتی امسال خوب نیست و این نامساعدتی اوضاع زراعتی عمومیت دارد تقریباً در تمام مملکت .

نه تنها در مملکت ما باشد بلکه در ممالک خارجه هم همین حال پیش آمده است و علت هم کمی بارندگی و خشک سالی بوده است و امیدواریم در سال آتیه اینطور پیش نیاید .

ولی امسال اینطور بوده است . اوضاع هوا سردی در غیر موقوف و نیامدن باران و برف و همینطور گرمی بی موقع همه اینها اصباب شده که زراعت خوب نشده و علت دیگری که تقریباً عمومیت دارد در مملکت آن مسأله گاو میری است و آقایان مستحضرند که امراض متعدده برای حیوانات در این اواخر پیدا شده است

که من جمله گاو میری است که خیلی از گاوها مرده است و البته چون گاو هم یکی از عوامل موثره در امر زراعت است از این جهت صدمه بزراعت وارد آمده است و از این دو علت که تقریباً عمومیت دارد بگذریم بعضی علت ها هم که عمومی نیست در بعضی قسمتها پیش آمده است مثل اینکه حاصل در بعضی نقاط زنگزده است و هم چنین آفت بزرگی که در زراعت هست و گاهی بیدامی شود سن است و این آفتهای متعدده که در بعضی جاها کمتر و در بعضی جاها بیشتر است اسباب کمی حاصل شده است و در دو سه مرتبه در غاب نقاط صد سی و صد بیست زراعت کسر شده است

ولیکن از همه جای مملکت بدتر اوضاع زراعتی همین ایالت تهران است که آقایان خاطر شان مسبوق است که تهران یک منبع زراعتی مهمی که داشته و دارد بلوک ورامین است و در ورامین بقدری کسردارند که تقریباً حاصل هیچ است و از برای اینکه اشکال کار ارزاق طهران را آقایان یکقدری مسبوق شوند عرض می کنم که تهران در سال صدوده هزار خروار جنس لازم دارد و متعارفاً در سالی که زراعت بد نباشد قریب دو ثلث از این مقدار حاجت را خودش فراهم میکرد و یک ثلث را از خارج میاوردند

ولی امسال بکلی معکوس شده است و یک ثلث هم شاید کمتر بتوان از خود اطراف تهران تهیه کرد و باقی را باید از خارج فراهم نمود .

دیگر باین ترتیب حاجت ندارم که اظهارات کنیم کار ارزاق طهران مشکل است ولی یک نکته دیگر هم در کار زراعت هست که آنستکه از کار زراعت اطلاع دارند میداند و آن اینستکه وقتیکه جنس خوب نشد یعنی کسر شد و ضعیف شد مواد خارجی و مغز بر حاصل غلبه میکنند

این تخم های مواد خارجی هرزاینها هم هست

ولی وقتیکه جنس خود گندم خوب وقت دارد آن مواد خارجی مغلوب می شود یا اینکه هیچ می شود ولی وقتی که زراعت ضعیف و سست شد مواد گندمی نمی تواند مقاومت کند و مواد مغز بر آن غلبه می کند .

حالا در بعضی جاها خاصه در ولایت طهران بواسطه اینکه زراعت بد بوده و ضعیف بوده این مواد مغز بر غلبه کرده است .

این مقدار گندمی هم که از خارج طهران تهیه می شود از قبیل ساوجبلاغ و شهریار و غار و قشایویه مختلف است بعضی کم تر و بعضی بیشتر جنس اینها بد است یعنی مواد خارجی از قبیل تلخه و کوزل دارد و اینها هم طوری است که خباز و اجزاء انبار و متصدیان امر ارزاق نمی توانند جدا کنند زیرا نه بوسیله بوجاری می شود آن ها را جدا کرد و نه بوسیله دیگر قفا و سیله اش این است که مثل برنج که وقتی می خواهند طبخ کنند دانه دانه جدا می کنند و پاک می کنند مواد خارجی اینرا هم همانطور جدا کنند .

البته تصدیق می فرمایند برای یک شهریکه روزی سیصد خروار جنس باید طبخ کنند این سیصد خروار را نمی شود دانه دانه پاک کرد .

در این صورت شکی جنس و بدی آن سبب می شود که بالنتیجه نان بد می شود البته چون جنس ها مختلف است .

مثلاً یک وقتی یک روزی یک معلی بهتر است بدی و تلخی نان هم کمتر است و همینطور بیک روز بدیش زیاد تر است

این است بطور اجمال وضع ارزاق و همانطور که عرض کردم بر هیچکس هم پنهان نباید باشد که بد بوده .

اما در این راه نباید مبالغه کرد و اذهان مردم هم نباید زیاد متوحش باشد و البته سخت هست و فراران و خوب هم نیست و آنطوریکه مطلوب و منظور است نیست ولیکن نباید تصور این را کرد که بقدری سخت باشد که واقلاً بمردم صدمه وارد میاوردد .

دولت و اداره ارزاق اقدامات خیلی میداند کرده است و اگر ملاحظه کردید که در این اواخر ارزاق سخت بوده و نان کم بوده است و جنس بد شده علت را باید در نظر گرفت و تصور نفرمایند که کوتاهی شده و همانطور که عرض کردم ورامین که یک قسمت آذوقه طهران را می داده است امسال آذوقه طهران که نتوانسته است کمک نماید بلکه از جاهای دیگر طهران باید آنجا کمک بشود .

اما البته اقدامات جدی که کرده است عبارت از این است که جنس را از جاهای دیگر فراهم میکنند و برای اطمینان خاطر آقایان و عموم مردم عرض می کنم که رویهم رفته در مملکت بقدر کفایت جنس هست . این را آقایان بدانند آنقدر تنگ و سخت نخواهد شد که فراهم نشود و اگر سخت بوده و جنس بد بوده از این اندازه که تا اکنون بوده است سخت تر نخواهد شد و همانطور که عرض کردم بواسطه این است جنس اطراف طهران از همه اجناس بدتر است و چون سرخرمن است و مدت لازم دارد که از اطراف تا اینجا برسد و آذوقه طهران از جنس خود طهران بوده است و در این مدت که بد بوده است باین دلیلی که عرض کردم بد بوده است و امیدوارم طوری بشود که نان خیلی خوب بشود و بهتر از حالا بشود بطوریکه اسباب زحمت برای مردم نشود .

ولی چیزیکه هست این است که جنس هست بقدر کفایت .

اما اوقات دیگر که حاصل خوب است مملکت ایران می تواند از جنس گندم وجود صادرات داشته باشد و بخارج هم بدهد ولی امسال شاید دیگر مانعی توانیم بخارج چیزی بدهیم .

ولی امیدوارم و یقین دارم بطوریکه خودمان هم تنگی بکشیم و گرسنگی بخوریم بیش نخواهد آمد و چیزیکه هست این است که سابق بر این آن کسریکه برای طهران داشتیم بقدر یک ثلث بود که رویهم رفته سی هزار یا چهل هزار خروار بود که مجبور بودیم از خارج طهران بیاوریم ولی امسال دو برابر این را باید بیاوریم و البته وقتی که بنامش مقدار زیادتری بخوایم جنس بیاوریم مجبوریم که متوسل شویم بنقاطی که دورتر است و قبل از این وقتی که حاصل خوب بوده است با آنجا نمی رفتیم حالا بیاوریم و البته آقایان می دانند وقتی که از راه دور تر بخوایم جنس بیاوریم کرایه زیاد تر خواهد شد و گران می شود و صرف نمی کنند .

تا وقتی که محتاج نبودیم از نقاط دورتر مثل زنجان و عراق جنس بیاوریم نمی آوریم ولی حالا ناچاریم یک قدری با پیمان را دورتر بگذاریم . و الان

ما از نقطاتی که جنس میآوریم یکی مثل کرمانشاه است و البته باین واسطه جنس گرانتر برای اداره تمام میشود و باین جهت بوده است که قیمت نان این چند روزه یکقدری بالا رفته است و این بالا رفتن قیمت نان تنها برای این نبود که کرایه زیاد بر میداشته است بلکه یک چیز دیگری را هم در نظر داشتیم که تصور میکنم آقایان تصویب فرمایند نظر دولت را و آن این است که راست است که مردم باید از حیث ارزاق مطمئن باشند و آذوقه هم یک حاجت ضروری است و حتی الامکان باید برای مردم سهل باشد و مخصوصاً از حیث قیمت این اصل صحیح است .

اما از آن طرف هم باید این نکته را در نظر داشت که ارزاق هم مثل سایر مایحتاج مردم معامله و تجارت می شود و معامله و تجارت را هم کسی نمیکند مگر اینکه سودی داشته باشد .

من جمله زارع و فلاح اگر این زحمتی که میکشد این زراعتی که میکند اگر این جنس را از او بطوری بگیرند که نفعی نرود البته نمیرود محض رضای خدا زراعت کند .

این بود که دولت ملاحظه کرد که امسال باین ترتیبی که پیش آمد مقتضی است قدری مصرف کنندگان جنس و نان هم تحمل این اضافه را بکنند تا اینکه فراهم کنندگان جنس هم راحت باشند و ضرر هم نداشته باشد و تشویقی هم شده باشد و از این جهت است که اداره ارزاق میخواهد یک قدری از مردم گرانتر بخرد که خرواری چهار تومان در طهران و در ولایات هم بفرخور حال دو تومان و سه تومان بر قیمت جنسی که میخریم اضافه کردیم و باین واسطه هم مجبور بودیم بر قیمت نان اضافه کنیم زیرا که برای دولت ممکن نبود که بتواند ضرر کند آنهم ضرری که تقریباً چند کرور است و البته برای اینکار بد است که دولت این مقدار ضرر را قبول کند زیرا آقایان مسبقند که در جاهای دیگر هم که دولت متصدی امر ارزاق نیست قیمت نان بالا رفته و این یک امری است قهری و طبیعی پس در جواب نماینده محترم بطور خلاصه عرض میکنم که وضعیت ارزاق البته امسال فوق العاده و سخت بوده است و زراعت خوب نبوده است و اگر این دولت فعلی و انتظامات فعلی نبود شاید بر مردم خیلی سخت میگذشت و شاید هیچ سالی از سنوات سابقه باین ترتیب نبود ولی با جدیتی که از طرف دولت بعمل آمده است و مخصوصاً باین وسائل نقلیه فعلی که حقیقتاً بهبودی در وضع و سایط نقلیه پیدا شده است که میتوانیم از نقاط دورتر جنس فراهم کنیم و بر مرکز برسانیم منتهی یک قدری دیر و زود دارد و همینطور از جاهای دیگر

هم تهیه شده است از قبیل آذربایجان . زنجان . ملایر . گلپایگان و نقاط مختلفه دیگر که بعضی دورتر و بعضی نزدیکتر است و بعضی هم در بین راه است که شاید در ظرف یکی دو هفته برسد و من حیث المجموع انبارها را عتق ریب پر خواهیم کرد و ترتیب را طوری گرفته ایم که انشاء الله در سال آینده در سر خرمن مقداری هم اضافه بر مایحتاج سال جاری ذخیره داشته باشیم بطوری که در سال قبل هم داشتیم و اگر در سال گذشته انبار ذخیره نداشت یقیناً اوضاع ارزاق امسال بدتر می شد جنس تهیه شده است . معجل ها هم همه معین شده است و پروگرام تهیه نان هم فراهم شده است که دولت تصویب کرده است و مشغول اقدام هم شده است . بعضی در راه است و بعضی دیرتر خواهد رسید و بعضی ها هم عتق ریب خواهد رسید و در این صورت آقایان مطمئن باشند وضعیت نان که سخت تر از این نخواهد شد اجازه می فرمائید از طرف وزیر فواید عامه لایحه راجع باعطای امتیاز چراغ برق اصفهان بیک نفر را تقدیم مجلس شورای ملی می کنم .

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی م- شهاب د کتر احتشام طباطبائی

جلسه دویست صورت مشروح مجلس یکشنبه پنجم مهر ماه ۱۳۰۴ مطابق هشتم ربیع الاول ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه سی و یکم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .

نایب رئیس - آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد - قبل از دستور عرض دارم .

نایب رئیس - آقای شربعت زاده .

شربعت زاده - قبل از دستور عرض دارم .

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس